

۹۴۱۴۰

بررسی منابع تأمین مالی تولیدکنندگان بخش کشاورزی و ارزیابی آن

فاطمه پاسبان

دانشجوی دکترا و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات روستایی

عباس رحیمی

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات روستایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

بدون شک تهیه مواد غذایی برای جمعیت در حال رشد، تأمین امنیت غذایی، افزایش تولید، و افزایش درآمدهای ارزی از مهم‌ترین هدف‌های برنامه‌ای هر کشور محسوب می‌شود. بخش کشاورزی، که یکی از بخشهای اقتصادی است، در دستیابی به هدف‌های مهمی چون تأمین امنیت غذایی و ارزآوری، کشور را یاری می‌رساند. از این رو افزایش تولید در این بخش از اهمیت ویژه‌ای در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه آن برخوردار است. عوامل و متغیرهای گوناگونی بر افزایش تولید بخش کشاورزی تأثیر می‌گذارند که از آن جمله می‌توان به بازار و مسائل مربوط به آن اشاره کرد. بازار، محلی است که تولیدکنندگان محصول خود را عرضه و مصرف‌کنندگان نیز محصول مورد نیاز خود را خریداری می‌کنند. در این شرایط، بین قیمت و مقدار تعادلی حاصل می‌شود. در واقع بازار به تولیدکننده در نوع و میزان تولید جهت می‌دهد و سود او را مشخص می‌سازد. از این رو وجود بازار فروش شفاف، منسجم و توسعه‌یافته می‌تواند در افزایش تولید، رفع نیازهای موجود و افزایش درآمد کشاورزان تأثیر مثبتی داشته باشد. با توجه به این مهم، اطلاعات پرسشنامه‌ای جامعه آماری نشان می‌دهد که بازار فروش محصولات کشاورزی دارای ماهیت کارکردی خود نبوده و مفهوم واقعی بازار شکل نگرفته است. وجود واسطه‌های مختلف میان تولیدکننده و مصرف‌کننده باعث افزایش قیمت محصولات کشاورزی می‌شود. بدین ترتیب تمامی سود حاصل نه به تولیدکننده بلکه به واسطه‌ها تعلق می‌گیرد. از این رو مشاهده می‌شود که کشاورزان برای تأمین مالی نیازهای مصرفی و تولیدی خود (به دلیل تعلق نگرفتن سود حاصل از تولید و فروش به آن‌ها) مجبور به پیش‌فروش محصولات می‌شوند. اطلاعات نشان می‌دهد که پیش‌فروش کردن محصولات کشاورزی به زیان تولیدکنندگان و تولید بخش کشاورزی است. از سوی دیگر آمار نمایان می‌سازد که بی‌توجهی نظام مالی بهینه در روستاها به کارکردی نبودن بازار فروش محصولات کشاورزی دامن می‌زند. از این رو لازم است با ایجاد و تقویت بازارهای محلی، راه‌اندازی بورس کالای کشاورزی، ایجاد و تقویت تشکلهای تولیدی کشاورزان و ایجاد نظام مالی

بهینه در روستاها جهت حذف دلالها، واقعی کردن قیمتها و برگشت سود حاصل از تولید به تولیدکننده و در نهایت افزایش تولید گام برداشت.

واژگان کلیدی

اعتبار و وام، بخش کشاورزی، منابع تأمین مالی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بازارهای مالی و پولی از اهمیت ویژه‌ای در نظام اقتصادی کشورها برخوردارند و در ادبیات رشد و توسعه اقتصادی پایدار از الزامات مهم دستیابی به آن محسوب می‌شوند به گونه‌ای که بسط و توسعه بهینه و مناسب بازارهای پولی و مالی را از ابزارهای مهم توسعه می‌دانند. در واقع بازارهای مالی و پولی، منابع تأمین اعتبار برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی‌اند. تأمین مالی واحدهای تولیدی چه از دیدگاه سرمایه در گردش و چه از دیدگاه توسعه فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری جدید، یکی از مهم‌ترین مباحث مدیریت یک سیستم است که به لحاظ اهمیت آن، مدیریتی به نام مدیریت مالی در مباحث نظری و عملی مطرح می‌شود که کارایی آن در حفظ و بقا و توسعه فعالیت‌های سیستم حائز اهمیت است. در واقع، وام و اعتبار عبارت است از انتقال پول از یک فرد به فرد دیگر یا از یک نهاد به یک نهاد دیگر. اعتبار و وام را می‌توان انتقال موقت قدرت خرید از یک فرد حقیقی یا حقوقی به فردی دیگر دانست. اعتبارات برای تأمین نهاده‌های مختلف تولیدی مانند نیروی کار، خرید مواد اولیه، نهاده‌های سرمایه‌ای، و تکنولوژی مورد استفاده قرار می‌گیرند و از این رو اهمیت ویژه‌ای در رشد و توسعه فعالیت‌ها دارند. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که اعتبار و وام به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر اشتغال واحدهای تولیدی و فرصت‌های شغلی جدید تأثیر می‌گذارند. به طور اجمالی از دیدگاه تئوری اقتصاد کلان و روابط اقتصادی، تأثیر وام و اعتبار بر تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال مثبت است و منجر به افزایش تولید و در نهایت افزایش اشتغال می‌شود.

البته لازم به ذکر است که کارایی نظام پولی و مالی هر کشور و نحوه مدیریت مالی واحدهای اقتصادی موجود شرط لازم و کافی برای دستیابی به این آثار مثبت اقتصادی است که در صورت عدم کارایی در این فرآیند چه در بخش اعطای اعتبارات و چه در بخش مصارف اعتبارات ممکن است اثرات مطلوب و مورد انتظار را به همراه نداشته باشد و شاید حتی آثار منفی در پی داشته باشد.

از این رو، در عمل ممکن است آثار تولیدی، سرمایه‌گذاری و اشتغال اعتبارات از کشوری به کشور دیگر به دلایل ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، متفاوت باشد که لازم است در هر کشوری به این مسئله با توجه به شرایط موجود پرداخته شود. ضرورت این امر از آن‌جا نشأت می‌گیرد که همواره اولین راه‌کار رفع مشکلات تولیدی و بیکاری، تزریق پول و اعتبار و به عبارتی سرمایه‌گذاری است به خصوص در کشور ما که هر ساله مبالغی تحت عنوان تسهیلات تکلیفی، اعتبارات عمرانی و اعتبارات بانکی به منظور افزایش تولید و اشتغال در نظر گرفته می‌شود اما در مقابل، تحقیقات کم‌تری به این موضوع پرداخته می‌شود که در بخش‌های مختلف اقتصادی منابع تأمین مالی کدامند؟ و تولیدکننده برای تأمین مالی خود با چه مشکلاتی مواجه است؟ آیا نظام بانکی جوابگوی نیاز تولیدکنندگان است؟ مشکلات و موانع کجاست و چگونه می‌توان آن‌ها را برطرف نمود؟ در این برهه زمانی که بحران بیکاری و تولیدی از مشکلات عمده کشور است، توجه و بررسی این موضوعات اهمیت و جایگاه بیشتری در تحقیقات دارد. با توجه به اهمیت این موضوع و از آن‌جایی که بخش کشاورزی و فعالیتهای مربوط به آن در امنیت غذایی، ایجاد ارزآوری، و افزایش درآمد نقش مهمی دارد، لذا مقاله حاضر درصدد است که به بررسی منابع تأمین اعتبار در بخش کشاورزی و ارزیابی آن بپردازد تا فتح‌بایی برای مطالعات علمی‌تر آینده و در نتیجه سیاست‌گذاری‌های بهینه‌تر برای رفع مشکلات کشور باشد.

منابع تأمین اعتبار بخش کشاورزی در ایران

کشاورزان برای افزایش سطح سود، تولید و بهبود بخشیدن به کارایی و بهره‌وری عوامل تولید خود تنها دو راه برای تأمین مالی در پیش روی دارند:

- برداشت از پس‌اندازها
- استفاده از اعتبارت

عموما در کشورهای در حال توسعه خانوارهای روستایی به دلیل کمبود درآمدهای سالیانه دارای پس اندازهای قابل توجهی برای تأمین مالی فعالیت‌های خود نیستند و به ناچار مجبورند برای تأمین بخشی از نیازهای مالی خود به منابع اعتباری - رسمی و غیررسمی - مراجعه نمایند.

منابع اعتباری رسمی در اقتصاد روستایی عمدتاً بر دو نوع هستند:

- بانک‌های تجاری: بانک‌هایی هستند که برای ارائه وام معیارهای خاصی همانند وثیقه و تضمین دارند که در بیش‌تر مواقع همین امر باعث می‌شود که کشاورزان نتوانند به راحتی اعتبار و وام مورد نیاز خود را در زمان مناسب دریافت نمایند و به ناچار به منابع غیررسمی یا رسمی دیگر مراجعه می‌کنند.
- بانک‌های تخصصی کشاورزی: این بانک‌ها با این هدف تشکیل شده‌اند که ناتوانی بانک‌های تجاری را در ارائه خدمات کافی به کشاورزان جبران کنند و عملیات آن‌ها در صورت کارا بودن می‌تواند تأثیرات فراوانی بر کشاورزی داشته باشد، و برعکس.
- بخش مردمی: شامل صندوق‌های قرض‌الحسنه است که کشاورزان می‌توانند از منابع اعتباری آن برای تأمین مالی خود استفاده نمایند.

منابع غیررسمی وام به منابعی جز دولت و بانک‌ها اطلاق می‌شود که عمدتاً شامل دکان‌دارن شهری یا تجار محلی، سلف‌خران، مالکان، صاحبان دارایی‌های سرمایه‌ای مانند تراکتور، دوستان و خویشان، رباخواران و نزول‌خوارن و سایر افراد ثروتمند است.

عموما نرخ‌های سود وام و اعتبار در بخش‌های غیررسمی بالاست، بنابراین کشاورز مجبور است که حاصل تمامی زحمت و تلاش خود را به منظور بازپرداخت اصل و فرع وام‌های غیررسمی پرداخت نماید و حاصل این فرآیند چیزی جز کاهش درآمدهای کشاورز و ضعف منابع مالی برای شروع تولید مجدد نیست. در صورتی که نظام مالی کارآمدی وجود داشته باشد کشاورز مجبور نمی‌شود که به منابع غیررسمی برای تأمین اعتبار مراجعه کند و مشکلات فراوانی را متحمل شود.

در فرآیند تأمین اعتبار بخش کشاورزی در ایران، ادعا می‌شود که بانک کشاورزی در تأمین مالی فعالیت‌های بخش کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بانک کشاورزی ایران که

با ادغام « بانک تعاون کشاورزی » و « بانک توسعه کشاورزی ایران » به وجود آمده است با هدف حمایت مالی از کشاورزان خرده پا مشغول به فعالیت شد. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که در طول زمان، سهم مهمی از اعتبارات پرداختی بانک‌های تخصصی به بخش کشاورزی را بانک کشاورزی از آن خود نموده است. جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که در طول زمان مورد بررسی، سهم بانک کشاورزی از تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی به وسیله بانک‌های تخصصی همواره بیش‌تر از ۵۰ درصد بوده است به طوری که از ۵۶۳/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ به ۶۷۸۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ بالغ شده است. نمودار شماره (۱) نشان از اهمیت بانک کشاورزی در تأمین مالی بخش کشاورزی دارد. چنانچه مشاهده می‌شود، بیش‌ترین سهم بانک کشاورزی مربوط به سال ۱۳۷۹ با ۶۳/۶ درصد و کم‌ترین مربوط به سال ۱۳۷۴ با ۳/۳ درصد است. در سال‌های اخیر روند سهم بانک کشاورزی صعودی بوده است که با توجه به هدف ایجاد این بانک که تأمین مالی بخش کشاورزی است هماهنگی دارد اما این‌که آیا در عمل تولیدکنندگان بخش کشاورزی از این اعتبارات استفاده نموده‌اند یا نه، مسئله‌ای است که باید به آن پرداخته شود که اصولاً نظام بانکی کشور به چه میزان در تأمین منابع مالی بخش کشاورزی تأثیر دارد؟ و نقش منابع غیررسمی به چه میزان است؟ در این مقاله سعی می‌شود به این موضوعات پرداخته شود.

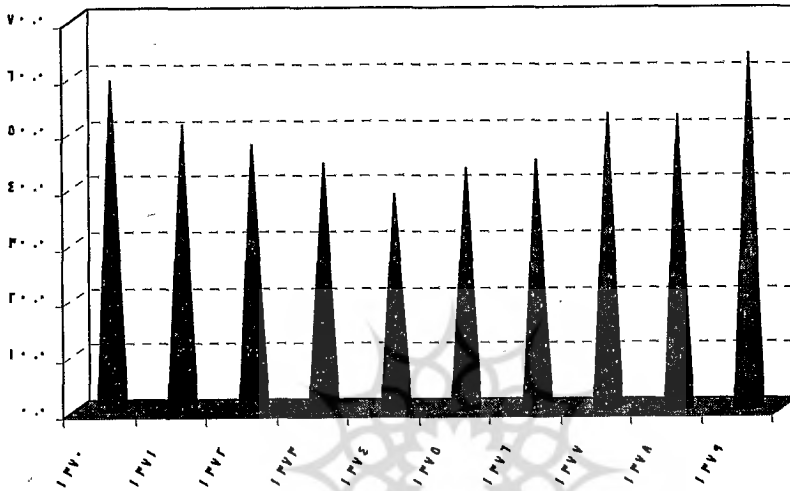
جدول شماره (۱): سهم بانک کشاورزی از تسهیلات پرداختی بانک‌های تخصصی به بخش کشاورزی

واحد: میلیارد ریال

سال	سهم
۱۳۷۰	۵۸/۸
۱۳۷۱	۵۱/۰
۱۳۷۲	۴۷/۱
۱۳۷۳	۴۴/۸
۱۳۷۴	۳/۳
۱۳۷۵	۴۲/۹
۱۳۷۶	۴۴/۶
۱۳۷۷	۵۲/۷
۱۳۷۸	۵۲/۶
۱۳۷۹	۶۳/۶

مأخذ: ترازنامه‌های بانک مرکزی ایران، سال‌های مختلف.

نمودار شماه (۱) - سهم بانک کشاورزی از تسهیلات پرداختی بانکهای تخصصی به بخش کشاورزی



روش تحقیق

به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر مقاله، اطلاعات آماری مورد نظر از طریق پرسشنامه در سال ۱۳۸۱ جمع آوری شده است. جامعه آماری این مطالعه از ۳۴۰ خانوار روستایی در سه استان فارس، کرمانشاه و اردبیل تشکیل شده و تعداد نمونه‌ها به‌طور تصادفی انتخاب گردیده‌اند. از مجموع ۳۴۰ پرسشنامه ۲۷/۱ درصد به استان اردبیل، ۳۴/۷ درصد به استان فارس و ۳۸/۲ درصد مربوط به استان کرمانشاه است. روش انتخاب این سه استان به این صورت بوده که در ابتدا میزان کل سپرده‌های جاری و پس‌انداز بانک کشاورزی (به عنوان مهم‌ترین نهاد تأمین مالی بخش کشاورزی) در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ به تفکیک هر استان از بانک کشاورزی اخذ و سپس با تقسیم این ارقام بر تعداد خانوار روستایی آن استان، متوسط سپرده بانکی هر استان

محاسبه و براساس آن، استان‌ها اولویت‌بندی شده و سه استان برتر برای نمونه‌گیری انتخاب شده است.

از سه استان مورد مطالعه، شش شهرستان برای نمونه‌گیری انتخاب شده‌اند. نحوه انتخاب به این صورت بوده که شهرستان‌های هر استان براساس تعداد خانوارهای روستایی طبقه‌بندی و اولویت‌بندی شده و در هر استان، شهرستان دارای بیش‌ترین خانوار و کم‌ترین خانوار روستایی انتخاب شده‌اند.

در هر شهرستان نیز روستاهای بالای بیست خانوار برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شده‌اند. بدین‌گونه که روستاهای شهرستان‌ها براساس تعداد خانوارهای روستایی در سه طبقه پرجمعیت، کم‌جمعیت و دارای جمعیت متوسط طبقه‌بندی شده و براساس تعداد پرسشنامه مورد نظر مقاله (۳۴۰ پرسشنامه) در هر روستای کم‌جمعیت سه تا چهار پرسشنامه، جمعیت متوسط پنج تا هفت پرسشنامه و پرجمعیت هشت تا نه پرسشنامه به صورت تصادفی از خانوارهای روستایی تکمیل شده است.

مدل نظری تحقیق، بررسی منابع رسمی و غیررسمی تأمین مالی در روستاهای مورد نظر است که به تفصیل در بخش قبلی به آن اشاره شده است.

به منظور تحلیل داده‌ها از شاخص‌های توصیف آماری (مانند فراوانی و میانگین) و توصیف‌های تحلیلی (مانند همبستگی و رگرسیون) استفاده شده است که در بخش بعدی به نتایج حاصل از آن پرداخته می‌شود.

نتایج آماری

تحلیل نتایج پرسشنامه‌ها به شرح زیر است:

نوع مشاغل سرپرست خانوارهای پاسخگو: سرپرست خانوارهای نمونه از مشاغل متنوعی برخوردار بوده‌اند، به طور کلی ۳۸/۸ درصد مشاغل این خانوارها به زراعت و باغداری، ۴/۴ درصد تنها به شغل دامداری، ۳۷/۱ درصد به زراعت و دامداری با هم، ۱۴/۴ درصد به زراعت و

دامداری و باغداری، $\frac{2}{16}$ درصد به زراعت و دامداری و کاسبی و $\frac{2}{16}$ درصد به زراعت و کاسبی مشغول بوده‌اند (جدول شماره ۲). چنانچه مشاهده می‌شود $\frac{56}{18}$ درصد مشاغل سرپرست خانوارها ترکیبی از زراعت، دامداری، باغداری و کاسبی است. از این رو ملاحظه می‌شود که جامعه آماری این مقاله را تولیدکنندگان بخش کشاورزی تشکیل می‌دهند.

جدول شماره (۲): مشاغل سرپرست خانوار پاسخگو

درصد	فراوانی	شرح
$\frac{38}{18}$	۱۳۲	زراعت و باغداری
$\frac{4}{4}$	۱۵	دامداری
$\frac{37}{11}$	۱۲۶	زراعت و دامداری
$\frac{14}{4}$	۴۹	زراعت و دامداری و باغداری
$\frac{2}{16}$	۹	زراعت و دامداری و کاسبی
$\frac{2}{16}$	۹	زراعت و کاسبی
۱۰۰	۳۴۰	جمع

نحوه تأمین سرمایه مورد نیاز: تأمین مالی برای سرمایه‌گذاری یکی از هدف‌های مهم دریافت وام و اعتبار است. پاسخ تولیدکنندگان در زمینه تأمین سرمایه تولیدی از منابع مختلف به شرح جدول شماره (۳) است. چنانچه ملاحظه می‌شود بیش‌ترین پاسخ‌ها در وهله اول به سرمایه شخصی و بعد از آن بانک و دلال‌ها است. اولویت اول منابع تأمین سرمایه به سرمایه شخصی، اولویت دوم بانک‌ها، اولویت سوم دوستان و آشنایان، اولویت چهارم دلال‌ها و اولویت پنجم صندوق‌های قرض‌الحسنه است. بنابراین غیر از منابع رسمی، منابع غیررسمی و خصوصا دوستان و فامیل و دلالان در تأمین مالی سرمایه‌ای بخش کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

جدول شماره (۳): اولویت بندی منابع تأمین سرمایه بخش کشاورزی

شرح	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	اولویت چهارم	اولویت پنجم	جمع
سرمایه شخصی	۲۲۱	۸	۵	۸	۱	۲۴۳
وام از بانک یا تعاونی روستایی	۵۰	۸۷	۱۵	۳	۰	۱۵۵
دوستان و فامیل	۱۷	۳۲	۳۰	۱۰	۰	۸۹
دلالها / بارفروشها	۴۱	۲۶	۱۸	۶	۲	۹۳
صندوق قرض الحسنه	۳	۶	۲	۳	۳	۱۷
جمع	۳۳۲	۱۵۹	۷۰	۳۰	۶	۵۹۷

نحوه تأمین نیازهای اعتباری: از آنجایی که هرگونه فعالیت اقتصادی نیاز به تأمین نهاده و هزینه‌های سرمایه‌گذاری دارد، بازارهای مالی نقش عمده‌ای در عملکرد بخش کشاورزی دارند. در واقع عملکرد مناسب بازارهای مالی می‌تواند کشاورزان و دامداران را در تهیه به‌موقع نهاده‌های اولیه، به‌کارگیری روش‌های جدید تولید، و استفاده از تکنولوژی جدید یاری برساند و بر افزایش عملکرد و کیفیت محصولات مؤثر باشد. بررسی نحوه تأمین نیازهای اعتباری در جامعه نمونه مورد بررسی در جدول شماره (۴) آمده است. براساس این ارقام حدود ۵۷/۲ درصد از پاسخگویان نخستین اولویت مراجعه خود را هنگام نیاز مالی به بانک‌ها دانسته‌اند. اولویت دوم مراجعه مربوط به دوست و آشنا با ۳۱ درصد و اولویت سوم نزول خواران با ۳۲ درصد پاسخ‌ها است. صندوق قرض الحسنه در جامعه نمونه در پایین‌ترین سطح اهمیت قرار دارد و این به دلیل عدم دسترسی به این صندوق‌ها در روستاهای نمونه بوده است. آشنایان یکی از عوامل مهمی است که نقش آن در سال‌های اخیر در میان جامعه روستایی افزایش یافته است گرچه در شهرها به دلیل وجود رقابت‌ها و بسیاری از ناهنجاری‌ها از میزان اعتماد و سرمایه اجتماعی کاسته شده است، اما روستاها به دلیل وجود سرمایه اجتماعی و اعتماد، آشنایان در برطرف کردن نیازهای مالی افراد نقش مهمی ایفا می‌کنند.

بنابراین تولیدکنندگان بخش کشاورزی هنگام نیاز به وام و اعتبار در وهله اول ترجیح می‌دهند از طریق نظام بانکی نیاز خود را مرتفع سازند و بعد از آن دوستان و آشنایان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بنابراین با افزایش کارایی نظام بانکی و افزایش سرمایه اجتماعی در روستاها می‌توان به موقع نیازهای تولیدکنندگان این بخش را برآورده نمود و از این رو لازم است در سیاست‌گذاری‌های دولت به این موارد توجه شود.

جدول شماره (۴): اولویت مراجعه جامعه نمونه هنگام نیاز مالی به منابع تأمین مالی

اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	شرح
۴	۳۰	۱۰۰	دوست و آشنا
۴	۲۸	۱۸۹	بانک
۲	۴	۳	تعاون روستایی
۳	۱۹	۱۶	سلف‌خر
۰	۳	۱	صندوق قرض‌الحسنه
۶	۱۴	۲۱	نزول‌خوار
۱۹	۹۸	۳۳۰	جمع

دسترسی به بانک: یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی مؤثر در بخش کشاورزی، نظام بانکی است که از طریق تأمین مالی برای تولیدکنندگان بخش کشاورزی می‌تواند تأثیرگذار بر تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال باشد. از این رو دسترسی آسان به این منابع مالی قابل بررسی و توجه است. از مجموع ۲۰۷ پاسخ عنوان شده نتایج نشان می‌دهد که ۷۵ درصد به نزدیک بودن بانک به روستا اذعان داشته‌اند و ۲۵ درصد دیگر بر نبود بانک در نزدیکی روستایشان اشاره کرده‌اند. بنابراین از نظر مکانی دسترسی روستاییان به بانک امکان‌پذیر است. علاوه بر این اطلاعات نشان می‌دهد که از مجموع ۳۳۰ خانوار پاسخ داده شده ۷۹ درصد اذعان نموده‌اند که در بانک‌های نزدیک روستایشان حساب باز کرده‌اند. این نتیجه تأکیدی بر این مدعاست که روستاییان از نظر

درآمدی توانایی افتتاح حساب و در واقع پس‌انداز را دارند که در صورت وجود نظام مالی مناسب در روستاها می‌توان با تجهیز پس‌انداز خود روستاییان، منابع مالی مورد نیاز آنان را فراهم نمود. علاوه بر این اطلاعات نشان می‌دهد که میانگین فاصله تولیدکننده از بانک یازده کیلومتر است و کم‌ترین فاصله ده متر و بیش‌ترین فاصله شصت کیلومتر است. و از دیدگاه کلی $53/4$ درصد از روستاها از بانک تا ده کیلومتر فاصله دارند (جدول شماره ۵). آمار نشان می‌دهد که تنها ۳۸ درصد از روستاها از لحاظ مسافت دسترسی آسان دارند (کم‌تر از یک کیلومتر). بنابراین لازم است به منظور دسترسی آسان به بانک و کاهش هزینه‌های رفت‌وآمد شعب بانک به گونه‌ای توزیع شوند که حداقل هزینه را برای تولیدکننده این بخش داشته باشند.

جدول شماره (۵): فاصله تولیدکننده با بانک

درصد	فراوانی	فاصله
۱۱/۷	۳۸	کم‌تر از یک کیلومتر
۲۳/۰	۷۵	۱-۵
۱۸/۷	۶۱	۶-۱۰
۱۹/۳	۶۳	۱۱-۱۵
۱۸/۷	۶۱	۱۶-۲۵
۸/۶	۲۸	بیش‌تر از ۲۶
۱۰۰	۳۲۶	جمع

علل مراجعه به بانک: علل مراجعه تولیدکنندگان به بانک می‌تواند نشان‌دهنده نوع نیاز آنان به بانک یا نیازهای مالی تأمین شده آنان باشد. چنانچه نتایج جدول شماره (۶) نشان می‌دهد علت ۲۳ درصد مراجعه تولیدکنندگان به بانک بازپرداخت وام، ۱۹/۳ درصد پرداخت قبض آب و برق و ۱۸/۷ درصد دریافت جایزه و دریافت پول از حساب‌های بانکی (هر کدام با ۱۸/۷ درصد) بوده است. دریافت وام یا درخواست وام تنها ۱۱/۷ درصد پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است. چنانچه مشاهده می‌شود تولیدکنندگان بخش کشاورزی به منظور تأمین مالی، خود به

بانک‌ها مراجعه می‌نمایند و در ترجیحات خود برای تأمین مالی نیازهایشان، آن را در نظر می‌گیرند.

جدول شماره (۶): علل مراجعه به بانک

درصد	فراوانی	شرح
۱۱/۷	۳۸	دریافت وام - درخواست وام
۲۳/۰	۷۵	بازپرداخت وام
۱۸/۷	۶۱	دریافت پول و حقوق
۱۹/۳	۶۳	پرداخت قبض آب و برق و ...
۱۸/۷	۶۱	دریافت جایزه
۸/۶	۲۸	ضمانت وام
۱۰۰	۳۲۶	واریز پول

نحوه توزیع وام‌های بانکی در جامعه نمونه: نحوه توزیع وام در سال ۱۳۸۰ در جامعه نمونه نشان می‌دهد که ۳۹ درصد از افراد وامی دریافت نکرده‌اند و ۶/۱ درصد از جامعه نمونه وام‌های تا سقف حداکثر یک میلیون ریال گرفته‌اند، ۳۲/۱ درصد از جامعه نمونه وام‌هایی بین یک تا پنج میلیون را از بانک‌ها اخذ کرده و ۲۱/۷ درصد نیز وام‌های بیش از ۱۰ میلیون ریالی دریافت کرده‌اند. حداکثر میزان وام دریافتی در جامعه نمونه ۱۴۰ میلیون ریال بوده است. از نظر ارزش، وام‌های تا سقف یک میلیون ریال ۰/۴ درصد از کل ارزش وام، وام‌های تا مبلغ ۵ میلیون ریال ۱۰/۴ درصد و وام‌های بیش از ۱۰ میلیون ریال ۹۴/۳ درصد از کل ارزش وام‌های پرداختی را تشکیل داده‌اند. از نظر توزیع وام به نظر می‌رسد توزیع مناسب و عادلانه‌ای وجود ندارد زیرا از نظر ارزش وام تنها ۲۱/۷ درصد از جامعه نمونه حدود ۹۴/۳ درصد از کل وام را دریافت نموده و ۳۹ درصد از جامعه نمونه دسترسی به این وام‌ها نداشته و ۳۹/۳ درصد دیگر از جامعه نمونه از نظر ارزش تنها ۵/۷ درصد وام‌ها را دارا بوده‌اند. بنابراین باید برای تولیدکنندگانی که به وام‌های بانکی دسترسی ندارند سیاست‌های مناسبی اتخاذ و اجرا شود.

مشکلات اخذ وام از بانک: تولیدکنندگان بخش کشاورزی به منظور تأمین مالی نیازهای تولیدی و غیرتولیدی خود به منابع رسمی (بانک‌ها) مراجعه می‌کنند که عموماً در برآورد نیازهای خود با مشکلاتی مواجه می‌شوند که مهم‌ترین مشکلات به شرح جدول شماره (۷) اولویت‌بندی شده است. چنانچه مشاهده می‌شود مهم‌ترین مشکلات از نقطه نظر اولویت اول داشتن ضامن، اولویت دوم هم داشتن ضامن و اولویت سوم عدم رعایت مقررات و اعمال رابطه به جای ضابطه است. عمده‌ترین مشکلات جامعه آماری مربوط به مقررات بانکی است که در صورت رفع این موانع و مشکلات، به نظر می‌رسد که نیاز مالی آنان به موقع تأمین شود. چنان‌که می‌دانیم تزریق به موقع پول به جریان تولید بخش کشاورزی از اهمیت خاصی در کمیت و کیفیت تولید برخوردار است زیرا آماده شدن منابع مالی در زمانی خارج از تقویم زراعی و باغی و پرورش گاو گوسفند، بر تولید تأثیر چندانی نخواهد داشت و ممکن است در مسیر غیرتولیدی هزینه شود. از این رو لازم است نظام بانکی به نحوی تغییر یابد تا وام و اعتبار به موقع در جریان تولید و سرمایه‌گذاری قرار گیرد تا از این طریق هم تولید افزایش یابد و هم منابع بانکی به صورت بهینه مورد استفاده قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره (۷): اولویت بندی مشکلات اخذ وام

اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	شرح
۵	۴۶	۳۹	وثیقه و سند
۱۰	۱۲	۵	داشتن سود بالا
۱۶	۶۴	۱۲۳	ضامن
۱	۷	۹	نسق زمین
۸	۲۱	۱۹	چک و سفته
۲۲	۲۱	۳۸	داشتن حساب پس انداز و کار با حساب
۰	۰	۱	توجه به سابقه قبلی پرداخت وامها
۰	۰	۱	نبود بانک در محل
۷	۶	۰	کم بودن زمان بازپرداخت
۳۵	۳۶	۵۰	عدم رعایت مقررات و پارتی بازی
۸	۱	۳	کم بودن مبلغ وام
۳	۳	۲	رشوه خواری
۱	۰	۰	نگهداشتن یک پنجم وام در حساب
۰	۱	۱	تسویه وام قبلی
۱	۰	۰	داشتن دفترچه دامداری
۰	۰	۱	عدم پرداخت پول یکجا
۲	۵	۴	رفت و آمد زیاد و وجود بوروکراسی
۱	۰	۰	کارمزد بالا
۱۲۰	۲۲۳	۲۹۶	جمع

دسترسی به سایر نهادهای مالی: علاوه بر بانک، سایر نهادهای مالی نیمه رسمی و غیررسمی نیز در مناطق روستایی فعال هستند که به بررسی این نهادها پرداخته می شود. در روستاهای مورد بررسی (۷۱ روستا) تنها ۵ روستا به عبارتی نزدیک به ۷ درصد از روستاها دارای صندوق قرض الحسنه رسمی بوده اند و ۹۳ درصد از روستاها فاقد قرض الحسنه بوده اند و در ۲۲ روستا نیز اهالی عضو، صندوق های قرض الحسنه خارج از روستا هستند و از این صندوق ها وام دریافت می کنند. متوسط سرمایه های صندوق در روستا حدود یک میلیون تومان می باشد. از

مجموع خانوارهای مورد بررسی ۲۲ درصد در این صندوق‌ها عضو هستند و ۸۷ درصد عضو صندوق نیستند. علت عضویت در این صندوق‌ها بیش‌تر مسائل مربوط به اجر اخروی و کمک به دیگران عنوان شده است و کم‌تر اشاره به اخذ وام و اعتبار شده است (جدول شماره ۸). شاید یکی از دلایل آن این باشد که میزان وام و اعتبار پرداختی این صندوق‌ها رقم پایینی باشد.

جدول شماره ۸: اولویت‌بندی عضویت در صندوق قرض‌الحسنه

اولویت ششم	اولویت پنجم	اولویت چهارم	اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	شرح
۲	۰	۱۴	۲	۱	۸	برای اجر اخروی
۰	۱	۲	۴	۴	۱	برای کمک به دیگران
۱	۰	۱	۰	۱	۱	برای نگهداری پول
۰	۰	۰	۰	۱	۱	برای اخذ وام
۱	۱	۰	۰	۰	۰	آشنایی با گردانندگان صندوق
۱	۱	۰	۰	۰	۰	جمع

علاوه بر این، پاسخ‌دهندگان عمده‌ترین علل عدم عضویت در این صندوق‌ها را نداشتن پول دانسته‌اند. عدم آگاهی از این صندوق‌ها و مزایای آن نیز از علل عمده عدم عضویت در این صندوق‌ها است. تصور غیردولتی بودن صندوق‌ها که مترادف با غیرقانونی بودن صندوق‌ها است یکی دیگر از علل عدم عضویت است که لازم است جهت جلب مشارکت بیش‌تر مردم در امور مختلف تغییر نگرشی در این زمینه ایجاد شود. بنابراین آموزش و آگاهی و حمایت از صندوق‌های اعتباری مردمی در روستا می‌تواند بسیاری از نیازهای مالی تولیدکنندگان را در اسرع وقت و بدون صرف هزینه پوشش دهد.

جدول شماره (۹): علل عدم عضویت در صندوق قرض الحسنه

درصد	فراوانی	شرح
۱۳/۸	۴	غیرقانونی بودن
۶۵/۵	۱۹	نداشتن پول
۲۰/۷	۶	عدم اطلاع از وجود کارکرد صندوق
۱۰۰	۲۹	جمع

در ۳۵ روستای نمونه تا ۵۰ درصد از خانوارهای ساکن در روستا از شرکت تعاونی روستایی وام دریافت نموده‌اند و تعداد روستاهایی که بیش از نیمی از خانوارهای ساکن در آن‌ها از شرکت تعاونی روستایی وام گرفته‌اند به ۱۶ روستا (۲۲/۶ درصد از کل روستاهای نمونه) بالغ می‌شود. متوسط وام دریافتی از این منبع اعتباری ۵۷۵۰۳ تومان و بیش‌ترین مقدار ۸۰۰۰۰۰ و کم‌ترین مقدار ۱۰۰۰۰ تومان است.

به منظور اهمیت منابع تأمین مالی کشاورزان، میزان بدهی خانوارها به تفکیک نهاد وام‌دهنده در سال ۱۳۸۰ در جدول شماره (۱۰) آمده است. اطلاعات موجود در این جدول مربوط به دو استان اردبیل و فارس است.

جدول شماره (۱۰): میزان بدهی خانوارها به تفکیک نهاد وام‌دهنده

سهم	متوسط (ریال)	نهاد وام دهنده
۵۷/۱	۱۰۷۰۳۵۲۰	کل بانک‌ها
۱۸/۹	۳۵۵۳۶۹۰	رباخواران
۱۵/۲	۲۸۵۳۰۷۰	آشنایان
۳/۶	۶۷۶۲۸۰	دکانداران
۲	۳۷۵۲۴۰	صندوق قرض الحسنه و تعاونی روستایی
۲	۵۷۵۹۰۰	سایر
۱۰۰	۱۸۷۳۹۷۰	جمع

براساس این ارقام متوسط بدهی خانوارها در کل نمونه حدود ۱۸/۷ میلیون ریال می‌باشد که از این بدهی سهم بانکها حدود ۵۷ درصد است. به عبارتی به طور متوسط هر خانوار ۱۰/۷ میلیون ریال به بانکهای مختلف بابت دریافت وام بدهی دارد.

پس از بانکها رباخواران در تأمین نیازهای مالی مناطق روستایی اهمیت بعدی را دارا می‌باشند و به طور متوسط ۱۸/۹ درصد از کل بدهی خانوارها در جامعه نمونه مربوط به رباخواران می‌باشد. این مسأله می‌تواند گویای نیازهای مبرم افراد و عدم پاسخگویی نهادهای رسمی و غیررسمی به این نیاز می‌باشد.

به طور کلی ۲۲/۸ درصد از نیاز مالی جامعه نمونه از طریق نهادهای مختلف نیمه‌رسمی و غیررسمی تأمین شده است که دوستان و آشنایان و دکانداران نیز نقش درخور توجهی را در بازاهای مالی ایفا می‌کنند. دکانداران معمولاً کالاهای مصرفی مورد نیاز خانوارها را همچون قند و شکر و چای و حبوبات برنج و سایر مایحتاج خوراکی را به ویژه در فصولی که کشاورزان درآمدی ندارند، تأمین می‌کنند آن‌ها علاوه بر دیرکرد که اغلب براساس نرخ بازار تعیین می‌شود سود حاصل از فروش کالا را نیز عاید خود می‌کنند.

به‌طور متوسط در جامعه نمونه حدود ۶۷/۶ هزارریال خانوارها به دکانداران بابت خرید کالاهای مصرفی بدهکار بوده‌اند. آشنایان معمولاً بدون دریافت بهره، پول را به صورت قرض‌الحسنه ارائه می‌دهند اما در برخی موارد دریافت محصول و یا وام به ازای پول پرداختی نیز رایج است اما عمده‌ترین ویژگی استفاده از وام آشنایان عدم نیاز به وثیقه و یا ضمانت می‌باشد و عموماً اعتماد و اطمینان ضمانت پرداخت این وامها می‌باشد. شایان ذکر است گرچه در شهرها سرمایه اجتماعی (یکی از مولفه‌های آن اعتماد و اطمینان متقابل) در رفتارها و کنش افراد رو به تحلیل است اما خوشبختانه در روستاها هنوز به قوت خود پابرجاست. از این رو می‌توان با استفاده از این منبع مهم سرمایه‌ای برای گردش وجوه و اداره آن و تأمین مالی روستائیان در روستا استفاده نمود. بحث اعتبارات خرد نیز در وهله اول متکی بر همین سرمایه اجتماعی است و وجود آن در هر جایی می‌تواند تأثیرگذار باشد. در جامعه نمونه به طور متوسط هر خانوار حدود ۲/۸۵ میلیون ریال

به آشنایان خود بدهی داشته است که این مبلغ به طور متوسط حدود ۱۵/۲ درصد از کل بدهی خانوارهای نمونه را در سال ۱۳۸۰ تشکیل داده است.

رابطه میان اعتبارات دریافتی خانوارها با برخی متغیرهای اقتصادی: جهت

بررسی عوامل مؤثر بر میزان وام دریافتی تولیدکنندگان بخش کشاورزی، به بررسی عوامل هزینه‌ای و درآمدی خانوارها بر میزان وام و اعتبار آن‌ها پرداخته شده است. بر همین اساس مدل زیر تعریف شده است:

$$lloan = \alpha_0 + \alpha_1 ll \cos tp + \alpha_2 ll \cos tp(-5) + \alpha_3 l \cos t + \alpha_4 l \cos t(-4) + \alpha_5 lincome + \alpha_6 lincome(-4) + u$$

که در آن:

Lloan: وام و اعتبار دریافتی

Lcostp: هزینه‌های تولیدی

Lcost: هزینه‌های خانوار

Lincome: درآمد خانوار

و u جمله اخلال است.

مدل فوق برآزش شده و نتایج به شرح زیر است:

$$lloan = -3.54 + .288ll \cos tp + .26ll \cos tp(-5) + .35l \cos t + .65l \cos t(-4) + .26lincome - .39lincome(-4) - .61lloan(-5)$$

(-.6) (1.7) (1.8) (1.1) (2.2) (1.1) (-2.7) (-1.7)

$$R^2 = .53$$

$$F = 4.7$$

$$DW = 2.03$$

چنانچه مشاهده می‌شود برآزش مدل خوب است (R^2 نسبتاً خوب و F بالا). ضرایب

مدل در سطح ۹۰ درصد به بالا معنی‌دار هستند. ضرایب نشان می‌دهد که تأثیر هزینه‌های تولیدی، هزینه‌های خانوار (غیرتولیدی) و درآمد در بلندمدت بر میزان دریافت وام و اعتبار مثبت و مستقیم

است. بدین معنا که با افزایش هر یک از متغیرهای مورد نظر بر میزان وام و دریافت اعتباری اضافه می‌شود. البته لازم به ذکر است که هرچه بر میزان درآمد اضافه شود بدین معنا است که قدرت اقتصادی فرد اضافه می‌شود و اعتبار او برای دریافت وام و اعتبار افزایش می‌یابد و از این طریق بر میزان اعتبار دریافتی او اضافه می‌شود. تأثیر وام‌های قبلی دریافتی و درآمد پنج دوره قبل بر میزان اعتبار دریافتی منفی است. طبیعی است تا تسویه حساب وام‌های قبلی، پرداخت وام هم از طریق منابع رسمی و هم غیررسمی به سختی صورت می‌گیرد و از این رو تأثیر منفی بر وام و اعتبار دریافتی دارد.

بعد خانوار در جامعه نمونه: اطلاعات جامعه آماری نشان می‌دهد که ۳۸/۹ درصد از

خانوارهای نمونه بین یک تا چهار نفر، ۴۱/۳ درصد از خانوارها بین پنج تا هفت نفر عضو، ۱۶ درصد هشت تا ده نفر و تنها ۳/۸ درصد از این خانوارها بیش از هشت نفر عضو داشته‌اند.

به لحاظ نظری، چون رابطه معکوسی بین بعد خانوار و پس‌انداز در رفتار خانوارها وجود دارد بنابراین انتظار می‌رود که خانوارهایی که دارای بعد خانوار بیش‌تری باشند نیاز به وام و اعتبار آن‌ها بیش‌تر از سایر خانوارها باشد. ضریب همبستگی (۰/۰۱۸) پیرسون نشان می‌دهد که میان میزان وام و اعتبار دریافت شده خانوارها و بعد خانوار رابطه مستقیمی وجود دارد که البته رقم مزبور، همبستگی پایینی را نشان می‌دهد. اما به‌طور کلی می‌توان ادعا نمود که هر چه ابعاد خانواده بیش‌تر شود به دلیل افزایش هزینه‌ها و در نتیجه پس‌انداز کم‌تر، نیاز به وام و اعتبار افزایش می‌یابد. با توجه به رشد افزایش قیمت‌ها در کشور، نیاز به وام و اعتبار نیز افزایش می‌یابد، از این رو لازم است به منظور افزایش قدرت مالی خانوارهای بخش کشاورزی برنامه‌ها و آموزش‌های مناسب جهت کنترل جمعیت فراهم شود.

سطح سواد سرپرست خانوارهای نمونه: سطح سواد یکی از متغیرهای تأثیرگذار در

وضعیت اقتصادی و اعتباری خانوارهاست. در جامعه نمونه ۲۷/۴ درصد از سرپرست خانوارها فاقد سواد، ۴۴/۴ درصد در سطح ابتدایی (سواد خواندن و نوشتن)، ۲۵/۶ درصد در سطح راهنمایی و دیپلم و ۲/۶ درصد بالاتر از دیپلم بوده است. بنابراین در مجموع خانوارهای مورد بررسی، ۲۷/۴

درصد سرپرست خانوارها بیسواد و $72/6$ درصد باسواد هستند. ضریب همبستگی ($0/28$) پیرسون نشان می‌دهد که میان میزان وام و اعتبار دریافت شده خانوارها و بیسوادی رابطه منفی وجود دارد که البته رقم مزبور همبستگی پایینی را نشان می‌دهد اما به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که هرچه میزان سواد تولیدکنندگان بخش کشاورزی کم‌تر باشد امکان دسترسی آنان به وام و اعتبار کم‌تر خواهد شد. شاید یکی از دلایل آن این باشد که دسترسی به منابع مالی نیاز به شناخت آن و بررسی و ارزیابی بهترین منبع و داشتن سواد به منظور تکمیل فرم و نظایر آن دارد که افراد بیسواد در این موضوعات با مشکلاتی مواجه خواهند شد. از این رو باید به منظور دسترسی بیشتر و بهتر تولیدکنندگان بخش کشاورزی به منابع اعتباری به افزایش سطح سواد و آموزش‌های مناسب در این زمینه در برنامه‌های اعتباری برای این بخش توجه نمود.

وضعیت سن سرپرست خانوار در جامعه نمونه: از مجموع سرپرست خانوارهای

مورد بررسی، $7/4$ درصد از سرپرست خانوارها سنی بین 20 تا 30 سال، 20 درصد بین 31 تا 40 سال، $34/1$ درصد از 41 تا 50 سال و $21/2$ درصد از 51 تا 60 سال و $17/4$ درصد از 61 سال پیش‌تر سن داشته‌اند. انتظار می‌رود با افزایش سن، میزان دسترسی به اعتبارات رسمی و غیررسمی کاهش یابد. ضریب همبستگی ($-0/05$) پیرسون نشان می‌دهد که میان میزان وام و اعتبار دریافت شده خانوارها و سن سرپرست خانوار رابطه منفی و بسیار ضعیف وجود دارد که البته رقم مزبور همبستگی پایینی را نشان می‌دهد اما به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که هر چه میزان سن تولیدکنندگان بخش کشاورزی بیشتر شود امکان دسترسی آنان به وام و اعتبار کم‌تر خواهد شد. بنابراین در سیاست‌های توسعه ای این بخش باید توجه نمود که برای تولیدکنندگان با سن بالا، سیاست‌های اعتباری مناسب با توجه به کهولت سن و تحرک کم‌تر در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- با بررسی آماری داده‌های پرسشنامه می‌توان به نتایج زیر دست یافت:
- تولیدکنندگان بخش کشاورزی هنگام نیاز به وام و اعتبار در وهله اول ترجیح می‌دهند از طریق سیستم بانکی نیاز خود را مرتفع سازند و بعد از آن دوستان و آشنایان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. بنابراین می‌توان با افزایش کارایی سیستم بانکی و افزایش سرمایه اجتماعی در روستاها، به موقع نیازهای تولیدکنندگان این بخش را برآورد نمود و از این رو لازم است در سیاست‌گذاری‌های دولت به این موارد توجه شود.
 - آمار نشان می‌دهد که بخش غیررسمی خصوصاً نزل‌خواران نقش مهمی در تأمین مالی بخش کشاورزی دارد که بایستی با طراحی سیستم مالی بهینه برای تولیدکنندگان این بخش سهم آن را کاهش داد.
 - به طور کلی هر چه ابعاد خانواده بیش‌تر شود به دلیل افزایش هزینه‌ها و در نتیجه پس‌انداز کمتر، نیاز به وام و اعتبار افزایش می‌یابد با توجه به اینکه در کشور ما رشد قیمت‌ها دائماً در حال افزایش است و در نتیجه نیاز به وام و اعتبار را افزایش می‌دهد، از این رو لازم است به منظور افزایش قدرت مالی خانوارهای بخش کشاورزی برنامه‌ها و آموزش‌های مناسب جهت کنترل جمعیت فراهم شود.
 - هرچه میزان سن تولیدکنندگان بخش کشاورزی بیش‌تر شود امکان دسترسی آنان به وام و اعتبار کمتر می‌باشد. بنابراین در سیاست‌های توسعه‌ای این بخش باید توجه نمود که برای تولیدکنندگان با سن بالا، سیاست‌های اعتباری مناسب با توجه به کهولت سن و تحرک کمتر در نظر گرفته شود.
 - هرچه میزان سواد تولیدکنندگان بخش کشاورزی کمتر باشد امکان دسترسی آنان به وام و اعتبار کمتر می‌باشد. شاید یکی از دلایل آن این باشد که دسترسی به منابع مالی نیاز به شناخت آن و بررسی و ارزیابی بهترین منبع و داشتن سواد به منظور تکمیل فرم و...

دارد که افراد بیسواد در این موضوعات با مشکلاتی مواجه خواهند شد. از این رو لازم است به منظور دسترسی بیشتر و بهتر تولیدکنندگان بخش کشاورزی به منابع اعتباری به افزایش سطح سواد و آموزشهای مناسب در این زمینه در برنامه های اعتباری برای این بخش توجه نمود.

- اطلاعات نشان می دهد که تأثیر هزینه های تولیدی، هزینه های خانوار (غیر تولیدی) و درآمد در بلندمدت بر میزان دریافت وام و اعتبار مثبت و مستقیم است. بدین معنا که با افزایش هر یک از متغیرهای مورد نظر بر میزان وام و دریافت اعتباری اضافه می شود. البته لازم به ذکر است که هرچه بر میزان درآمد اضافه شود، قدرت اقتصادی فرد اضافه می شود و اعتبار او برای دریافت وام و اعتبار افزایش می یابد و از این طریق بر میزان اعتبار دریافتی او اضافه می شود. تأثیر وامهای قبلی دریافتی و درآمد پنج دوره قبل بر میزان اعتبار دریافتی منفی است. طبیعی است تا تسویه حساب وامهای قبلی، پرداخت وام هم از طریق منابع رسمی و هم غیررسمی به سختی صورت می گیرد و از این رو تأثیر منفی بر وام و اعتبار دریافتی دارد. از این رو باید توجه داشت که به دلیل سیر صعودی قیمتها و افزایش هزینه های تولیدی و درآمدی و کاهش قدرت خرید واقعی، نیاز به وام و اعتبار نیز صعودی است و بنابراین در سیاستهای توسعه ای این بخش باید به این نکته توجه داشت که یکی از راهکارهای کاهش تقاضای اعتبارات نیز می تواند کنترل قیمتها و کاهش هزینه های تولیدی و حفظ قدرت خرید باشد. بنابراین در این رابطه نقش آموزش و ترویج روشهای کاهش هزینه های تولید، اهمیت ویژه ای می یابد. براساس آمار مورد بررسی، بدهی خانوارها در کل نمونه حدود ۱۸/۷ میلیون ریال می باشد که از این بدهی سهم بانکها حدود ۵۷ درصد است. به عبارتی به طور متوسط هر خانوار ۱۰/۷ میلیون ریال به بانکهای مختلف بابت دریافت وام بدهی دارد. پس از بانکها رباخواران در تأمین نیازهای مالی مناطق روستایی اهمیت بعدی را دارا می باشند و به طور متوسط ۱۸/۹ درصد از کل بدهی خانوارها در جامعه نمونه مربوط به رباخواران

می‌باشد. به طور کلی ۲۲/۸ درصد از نیاز مالی جامعه نمونه از طریق نهادهای مختلف نیمه رسمی و غیررسمی تأمین شده است که دوستان و آشنایان و دکانداران نیز نقش درخور توجهی را در بازهای مالی ایفا می‌کنند. به طور متوسط در جامعه نمونه حدود ۶۷/۶ هزار ریال خانوارها به دکانداران بابت خرید کالاهای مصرفی بدهکار بوده‌اند. آشنایان معمولاً بدون دریافت بهره پول را به صورت قرض الحسنه ارائه می‌دهند و عمده ترین ویژگی استفاده از وام آشنایان عدم نیاز به وثیقه و یا ضمانت می باشد و عموماً اعتماد و اطمینان ضمانت پرداخت این وامها می باشد. از این رو می توان با استفاده از این منبع مهم سرمایه ای برای گردش وجوه و اداره آن و تأمین مالی روستائیان در روستا استفاده نمود. بحث اعتبارات خرد نیز در وهله اول متکی بر همین سرمایه اجتماعی است و وجود آن در هر جایی می تواند تأثیر گذار ی فراوانی داشته باشد. در جامعه نمونه به طور متوسط هر خانوار حدود ۲/۸۵ میلیون ریال به آشنایان خود بدهی داشته است که این مبلغ به طور متوسط حدود ۱۵/۲ درصد از کل بدهی خانوارهای نمونه را در سال ۱۳۸۰ تشکیل داده است.

چنانچه مشاهده می‌شود مهم‌ترین مشکلات از نقطه نظر اولویت اول، داشتن ضامن، اولویت دوم هم داشتن ضامن و اولویت سوم عدم رعایت مقررات و پارتی بازی می باشد. عمده ترین مشکلات جامعه آماری مربوط به مقررات بانکی است که در صورت رفع این موانع و مشکلات به نظر می رسد که نیاز مالی آنان به موقع تأمین شود. چنانکه می‌دانیم تزریق به موقع پول به جریان تولید بخش کشاورزی از اهمیت خاصی در کمیت و کیفیت تولید برخوردار است زیرا آماده شدن منابع مالی در زمانی خارج از تقویم زراعی و باغی و پرورش گاو گوسفند، بر تولید تأثیرچندانی نخواهد داشت و ممکن است در مسیر غیرتولیدی هزینه شود. از این رو لازم است نظام بانکی به نحوی تغییر یابد تا وام و اعتبار به موقع در جریان تولید و سرمایه‌گذاری قرار گیرد تا از این طریق هم تولید افزایش یابد و هم منابع بانکی به صورت بهینه مورد استفاده قرار گیرد.

- از نظر توزیع وام به نظر می‌رسد توزیع مناسب و عادلانه‌ای وجود ندارد زیرا از نظر ارزش وام تنها ۲۱/۷ درصد از جامعه نمونه حدود ۹۴/۳ درصد از کل وام را دریافت نموده و ۳۹ درصد از جامعه نمونه دسترسی به این وامها نداشته و ۳۹/۳ درصد دیگر از جامعه نمونه از نظر ارزش تنها ۵/۷ درصد وامها را دارا بوده‌اند. بنابراین باید برای تولیدکنندگانی که به وامهای بانکی دسترسی ندارند سیاستهای اعتباری مناسبی اتخاذ و اجرا شود.
- چنانچه مشاهده می‌شود تنها ۳۸ درصد روستا میزان دسترسی آنها از نظر مسافت آسان است (کمتر از یک کیلومتر). بنابراین باید به منظور دسترسی آسان به بانک و کاهش هزینه‌های رفت و آمد، شعب بانک به گونه‌ای توزیع شوند که حداقل هزینه را برای تولیدکننده این بخش داشته باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های مختلف، اداره بررسی‌های اقتصادی.
۲. پاسبان، فاطمه، (۱۳۷۷)، *ارزیابی اقتصادی اعتبارات تکلیفی در مرعداریمهای گوشتی خراسان*، مرکز تحقیقات روستایی وزارت جهاد.
۳. طالب، مهدی، (۱۳۷۳)، *اعتبارات روستایی در ایران*، تهران، معاونت ترویج وزارت جهاد.
۴. مرکز آمار ایران، *سالنامه آماری کشور*، سالهای مختلف.
5. Baker, C. B. "Credit In The Production Organization of The Firm", *American Journal of Agricultural Economics*, 1968, v50(3), 507-520.
6. Betancourt, Roger and Barbara Robles. Credit, "Money And Production: Empirical Evidence", *Review of Economics and Statistics*, 1989, v71(4), 712-717
7. Kochar, Anjini. "Does Lack of Access To Formal Credit Constrain Agricultural Production? Evidence From The Land Tenancy Market In Rural India", *American Journal of Agricultural Economics*, 1997, v79(3, Aug), 754-763
8. Mortikov, V. V. and V. M. Volonkin. "Money, Credit, And Employment In A Transition Economy", *Russian and East European Finance and Trade*, 1999, v35 (2, Mar-Apr), 83-92.
9. O'Neil, Cherie Jeanne. "The Targeted Jobs Credit: An Evaluation Of Its Impact On The Employment Decision Process", *Journal of the American Taxation Association*, 1982, v3(2), 15-22.
10. Taylor, Timothy G. and J. Scott Shonkwiler. "Alternative Stochastic Specifications Of The Frontier Production Function In The Analysis Of Agricultural Credit Programs And Technical Efficiency", *Journal of Development Economics*, 1986, v21(1), 149-160.
11. Taylor, Timothy G., H. Evan Drummond and Aloisio T. Gomes. "Agricultural Credit Programs And Production Efficiency: An Analysis Of Traditional Farming In Southeastern Minas Gerais, Brazil", *American Journal of Agricultural Economics*, 1986, v68(1), 110-119.